

دعوت چیست؟!!

داعی کیست؟!!

مؤلف
علی صامی

ژیلا مرادپور

سردشناسه : صارمی، علی، ۱۳۵۶
 عنوان و نام پدید آور : دعوت چیست! داعی کیست! / مولفان علی صارمی - ژیلاد مرادپور
 مشخصات نشر : ارومیه . دارالاحلاص ۱۳۹۲
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۵۸۵-۳-۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : اسلام - تبلیغات
 شابک افزوده : مرادپور، ژیلاد ۱۳۶۰
 ده : ۱۳۹۲ ۷۲۳ ص / ۱۱ / ۶۲ BP
 د کدی نویسی : 297/045
 شماره ثبت ملی : 3123153

مرکز پخش ارومیه - فیایان طالقانی

مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل - تلغز

۰۴۴۱ ۲۳۵



دارالاحلاص

نام کتاب : دعوت چیست؟! داعی کیست!
 مؤلفان : علی صارمی - ژیلاد مرادپور
 طرح جلد : خالد مهدویان
 تیراژ : ۲۰۰۰ جلد
 چاپ : اول ۱۳۹۳
 ناشر : دارالاحلاص
 dar-ekhlal91@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۵۸۵-۳-۳

قیمت : ۶۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۳	فهرست مطالب
۷	مقدمه
۱۲	پیشگفتار
۲۳	تبلیغ چیست
۲۵	قلمرو و مرزهای تبلیغ
۲۷	ضرورت تبلیغ
۲۹	پاداش تبلیغ
۳۱	تبلیغ برای اتمام حجت
۳۳	عنصر مکان در تبلیغ
۳۴	عنصر زمان در تبلیغ
۴۴	آداب تبلیغ، قلم و سخن
۴۴	۱. شروع با نام خدا
۴۶	۲. متصل به وحی الهی
۴۷	۳. بر پایه حق
۴۹	۴. پاک و دلپسند
۵۰	۵. روشن و روشنگر
۵۱	۶. فارق حق و باطل
۵۲	۷. نیکو و شایسته
۵۴	۸. مستدل و منطقی
۵۷	۹. حساب شده و سنجیده
۵۷	۱۰. مایه‌ی رشد و کمال
۵۸	۱۱. بشارت و تشویق

۵۹	۱۲. جامع و متنوع.....
۶۱	۱۳. هشدار و موعظه.....
۶۲	۱۴. صریح و قاطع.....
۶۳	۱۵. مناسب با مقتضای حال.....
۶۶	۱۶. تناسب سن و سخن.....
۶۶	۱۷. ساده و آسان.....
۶۷	۱۸. شیوا و رسا.....
۶۸	۱۹. نرم و آرام.....
۶۹	۲۰. مفید و مفید.....
۷۱	۲۱. سازماندهی منظم.....
۷۲	۲۲. شیوه تبلیغ.....
۷۵	شیوه‌های تبلیغ.....
۷۵	۱. یادآوری نعمت‌ها و حمد های الهی.....
۷۸	۲. تحریک عواطف.....
۸۰	۳. سؤال کردن از مخاطب.....
۸۴	۴. بیان تاریخ و سرنوشت پیشین.....
۸۵	۵. تشویق و تهدید.....
۹۰	۶. خودباوری دادن به مردم.....
۹۱	۷. تشبیه و تمثیل.....
۹۶	۸. برهان، جدل و مناظره.....
۱۰۱	۹. جنگ روانی.....
۱۰۶	۱۰. استفاده از هنر.....
۱۱۰	۱۱. قصه گوئی.....
۱۱۰	۱۲. تداعی معانی.....
۱۱۴	۱۳. تعادل میان دنیا و آخرت.....
۱۱۶	۱۴. شیوه مقایسه کردن.....

۱۵. شیوه فرض مخالف ۱۱۸
۱۶. آماده سازی و ایجاد زمینه ۱۱۹
۱۷. معرفی الگوهای خوب و بد ۱۲۵
۱۸. تداوم و تکرار ۱۲۶
۱۹. دعوت به مشترکات ۱۳۱
۲۰. القای غیر مستقیم ۱۳۳
۲۱. القای تدریجی ۱۳۵
۲۲. پرسش و پاسخ ۱۳۷
۲۳. صنایع دانی ۱۴۱
۱. آ ۱۴۱
۲. ایمان به خدا ۱۴۲
۳. پیشگام ۱۴۳
۴. اخلاص ۱۴۴
۵. عادل و به دور از حب و بغض ۱۴۵
۶. دارای سعه صدر و استقامت ۱۴۹
۷. امیدوار به وعده‌های الهی ۱۵۲
۸. اهل علم و عمل ۱۵۴
۹. قاطع و با شهامت ۱۵۵
۱۰. انتقادپذیر ۱۵۸
۱۱. حامی محرومان ۱۵۹
۱۲. توکل به خدا ۱۶۷
۱۳. نرم خو، مهربان و دلسوز ۱۶۷
۱۴. مردمی و درد آشنا ۱۷۰
۱۵. دوری از جناح‌ها و احزاب ۱۷۲
۱۶. خوش سابقه ۱۷۴
۱۷. صداقت ۱۷۵

۱۷۷	۱۸. ساده زیست و بی تکلف
۱۷۹	۱۹. متواضع و باگذشت
۱۸۲	۲۰. تمیز، خوشبو، آراسته ظاهر
۱۸۴	۲۱. تفقّد در زمان فقر و گرفتاری
۱۸۵	وظایف داعی
۱۸۵	۱. خودسازی و تبلیغ عملی
۱۸۷	۲. تعلیم و تربیت
۱۸۹	۳. مبارزه با طاغوت
۱۹۰	۴. مبارزه با خرافات
۱۹۱	۵. ابرام به دیگران
۱۹۳	۶. برخورد مناسب با مخالفان
۱۹۵	۷. حضور در اجتماعات
۱۹۶	۸. آشنایی با احکام اسلامی
۱۹۸	۹. توجه به نسل جوان
۲۰۲	۱۰. استمداد از خداوند
۲۰۴	هشدارهایی به داعی
۲۰۴	۱. پرهیز از دنیا و برتری طلبی
۲۰۵	۲. پرهیز از سخن بدون علم و عمل
۲۰۷	۳. پرهیز از بدعت، تحریف و التقاط
۲۰۹	۴. پرهیز از تحلیل‌های غلط
۲۱۰	۵. پرهیز از غفلت
۲۱۲	۶. پرهیز از مواضع تهمت
۲۱۲	۷. پرهیز از استبداد و تفرقه
۲۱۵	فهرست منابع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله نعمته ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله الا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً رسول الله ﷺ مواضع پیشرفت می دیدیم که دعوت اسلامی به آن منتقل شده و به فضل خدای متعال آن را به دست آورده، فرصتی را می طلبید تا فرزندان دعوت اسلامی در آن به تأمل بپردازند و سلال آن شیوه های دگرگون ساختن فعالیت های تبلیغی و دعوی را بررسی کنند.

دعوت، قنی است که دعوتگران صریح به خدای از عهده ی آن بر می آیند، تمام هم و غم داعیان باید دعوت دین باشد و آن به درستی به مردم برسانند؛ چرا که آنان، وارثان محمد مصطفی ﷺ به حساب می روند.

داعیان باید اسباب، نتایج، روش ها و تازه های دعوت را دریابند و در مورد تعهدی که نسبت به معلم بشریت ﷺ به عهده دارند، با خود بترسند زیرا آنها، وارثان حقیقی پیامبرانند و کسانی هستند که این امانت بر دوش آنها گذاشته شده است. لذا هر اشتباهی که فرد داعی مرتکب می شود بر مردم، تأثیر می گذارد. در درجه اول دعوتگران، مسئول اشتباهات و شکست ها هستند؛ چرا که آنان ناخدایان کشتی ای هستند که اگر آن را به ساحل امنیت سوق دهند، به خواست خدا، نجات پیدا می کند.

بدین جهت آدابی وجود دارد که داعیان، باید به آن‌ها آراسته گردند تا پیام آوران هدایت و مشعل داران حق و حقیقت شوند و رسالتشان را آن‌طور که خدا خواسته است، به انجام رسانند. با این‌که تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر و انذار و ارشاد از مسایل مهم دعوت اسلامی است، اما درباره‌ی شیوه‌های آن کتاب‌های زیادی نوشته نشده است. خداوند توفیقی عطا کرد تا یک دور قرآن را به قصد بررسی مسأله تبلیغ، مطالعه و صدها آیه در مورد شیوه‌ی تبلیغ و شرایط داعی پیدا کنم که آن‌ها را همراه با نکاتی در کتاب داعیان اسلامی عرضه می‌نمایم. به امید آن‌که امر تبلیغ اسلام را جدی بگیریم و شیوه‌های آن آشنا شویم و کسانی که درد تبلیغ دارند به سلاح علم و تجربه تجهیز شوند تا خداوند با امدادهای غیبی خود داعیان به سوی دین خود را ببری نماید. آری، هدایت و آگاهی دادن به مردم، وظیفه داعیان است و این امر و ایمانی است که خداوند متعال از آنان گرفته است. امروزه یکی از مهم‌ترین مسایل مورد استفاده جهان خوران بی دین، ابزار تبلیغ است. با استفاده از رسایل مدرن تبلیغی، ناممکن‌ها را ممکن می‌سازند و حکومت‌ها را ساقط می‌کنند. انقلاب‌ها را به شکست می‌کشاند و افکار مسموم و فرهنگ غلط خویش را در روح و جان انسان‌های ساده و ناآگاه تزریق می‌کنند. پس برماست که به این امر مهم توجه بیشتری کنیم و با آگاهی دادن به انسان‌ها، این تبلیغات را بی اثر سازیم. خداوند بر وجود تشکیلاتی برای تبلیغ تأکید می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ [آل عمران: ۱۰۴].

((از شما مسلمانان باید گروهی باشند تا مردم را به خیر بخوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند.))

تبلیغ‌های دو نفری نمونه‌ای از کار تشکیلاتی است که داعیان، امور تبلیغی را بین خود تقسیم می‌کنند. هانند حرکت تبلیغی موسی و هارون - علیهما السلام - که موسی پیامبر و هارون به خاطر زبان فصیحش، اعلام‌کننده‌ی پیام بود. رسول اکرم ﷺ قبل از هجرت به مدینه، بیعت عقبه‌ی اول و دوم را با تعداد اندکی از مردم مدینه انجام می‌دهد تا آن‌ها پیشاپیش زمینه‌ی هجرت رسول اکرم ﷺ را به مدینه مهیا کنند.

ایه‌ی:

﴿وَبَنَاءُ جَلِيسٍ أَقْصَىٰ الْقَدِيْنَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ﴾ [القصص: ۲۰].

((مردی مؤمن از دو برین خط شهر آمد و گفت: ای موسی رجال دربار فرعون درباره‌ی تو مشورت می‌کنند که مرا به قتل برسانند پس - از شهر - خارج شو.))

استنباط می‌شود که نبی الله موسی علیه السلام در حرکت ظلم زدایی خویش مأموران مخفی داشته‌اند. امروز دشمنان اسلام برای تبلیغات خود از قوی‌ترین تشکیلات استفاده می‌کنند. همان‌گونه که صدر اسلام برای سر و سامان دادن به نیروهای متفرق خود و مبارزه علیه مسلمانان از ساختن مسجد ضرار استفاده کردند.

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَضُوا بِالْأَعْيُنِ حَارَبَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ﴾ [التوبة: ۱۰۷].

((آن مردم منافقی که مسجدی برای زیان اسلام بر پا کردند تا مردم در مسجد پیامبر و نماز ایشان حاضر نشوند، و مقصودشان کفر و دشمنی و جدایی بین مسلمانان و پناه گاهی برای همکاری با دشمنان خدا و دشمنان دیرینه رسولش بود.))

بنابراین امروزه ضرورت ایجاد تشکیلات تبلیغاتی قوی به خاطر مقابله با دشمنان بیشتر است. زیرا در مقابل دنیاوی که دارای تشکیلات بسیار قوی است نمی‌توان به تبلیغات جزئی و فردی اکتفا نمود. داعیان مسلمان باید دست در دست یکدیگر، با تشکیلاتی منسجم و با تمام توان بر ضد هجوم فرهنگی دشمن اقدام نمایند و پرچم «لا اله الا الله و محمد رسول الله» را همیشه بر افراشته نگاه دارند. نباید با رفتن یک نفر اجتماع و تشکیلات مسلمانان از هم فروپاشد. چنانکه در هنگام نماز جماعت اگر امام جماعت از میان بر شهید شود، غش کند، وضویش باطل شود یا بفهمد وضو ندارد نماز او ترک کند باید یک قفر از صف اول کمی جلو بیاید و نماز را از همان جای که قطع شده با مردم بخواند. در جنگ احد فریادی بلند شد که پیامبر شهادت داده‌اند و هی از مسلمانان فرار کردند، آیه نازل شد که:

﴿أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ أَغْقَابِكُمْ﴾ [آل عمران: ۱۴۴].

((اگر او به مرگ یا شهادت درگذشت شما به جاهاش رجوع خواهید کرد؟))

از این آیه استنباط می‌شود که تشکیلات و جماعت مسلمانان باید چنان محکم باشد که حتی با رفتن رهبر نیز از هم نپاشد. در جنگ‌ها رسول اکرم ﷺ چند فرمانده تعیین می‌کرد و می‌فرمودند: اگر اولی شهید شد دومی و اگر دومی شهید شد نفر سوم جای او را بگیرد و بدین وسیله اجازه نمی‌دادند که نظام سپاه اسلام فرو پاشد. چنانکه قریب به سی و سه مرتبه در پیوستگی رسالت انبیا می‌فرماید:

﴿وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١﴾ «إِنَّا مُرْسَلُونَ إِلَيْكُمْ ﴿٢﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَرَزْنَا بِتَالِثٍ فَقَالُوا «إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ ﴿٣﴾»﴾ [یس: ۱۳، ۱۴]. ((ای رسول برای این مردم، حال قریه ی -انطاکیه- را مثال بزن که رسولان حق برای

هدایت آنها آمدند، نخست دوتن از رسولان را فرستادیم چون تکذیب کردند رسول
سومی را به کمک آنها روانه کردیم.)

از خداوند می‌خواهم که این کتاب را برای خوانندگان عزیز سودمند
گرداند و ضمناً از کسانی که انتقادهای و پیشنهادهای خود را درباره این کتاب
ارسال نمایند تشکر می‌کنم. «أعوذ بالله من علم لا ينفع»

علی صارمی

ژیلا مرادپور

مهاباد/۲۵/۴/۱۳۸۸

www.ketab.ir

پیشگفتار

بسیار دیده شده که در میان حیوانات، وقتی یکی از آنها احساس خطر می‌کند سایرین را هشدار می‌دهد و یا اگر به چیزی دست یافت آن‌ها را بر می‌دهد تا از آن استفاده کنند. قرآن در این مورد نمونه‌ای را نقل می‌کند که هنگام عبور لشکر سلیمان، یکی از مورچه‌ها به سایر مورچگان هشدار داد: «به آن‌های خود روند تا زیر پای لشکریان سلیمان له نشوند».

﴿وَإِذْ نَادَىٰ عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْذِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [النمل: ۱۸].

(آن گاه حرکت کرد و فریاد زد و فرمود: «مورچه‌ها! به لانه‌های خود بروید، سلیمان و لشکریانش بدون این که متوجه باشند شما را پایمال نکنند».)

هم‌چنین در قرآن می‌خوانیم: «و اما می‌که دهد از خورشید پرستی مردم منطقه سبأ مطلع شد آن را به نبی الله سلیمان داد».

﴿وَجَدَتْهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾ [سجده: ۲۴].

(من او - ملکه‌ی سبأ - و قوم او را دیدم که به جای خدا برای خورشید سجده می‌برند، و اهریمن اعمالشان را در نظرشان آراسته است و ایشان را از راه - راست - منحرف کرده، آنان - به خدا و یکتاپرستی - هدایت نمی‌شوند.)

امروزه نیز در دنیا از حیوانات، برای کشف جرائم و اطلاع یافتن لازم ورود غریبه به منزل استفاده می‌کنند. بنابراین هشدار و اعلام خطر یک غریزه است که خداوند در غیر انسان‌ها نیز به ودیعه نهاده است.

بدلیل وجود خطراتی که انسان را تهدید می‌کند، هشدار دهندگان نیز همیشه بوده‌اند، قرآن می‌فرماید:

﴿وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ [فاطر: ۲۴].

(هیچ قومی بدون هشدار دهنده نبوده است.)

اولین مرد روی زمین داعی بوده و اولین آیاتی که بر پیامبر اسلام نازل شده را به قیام و انذار دعوت می‌کند:

﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾ [المدثر: ۲]. (بلند شو و - از قیامت - بترسان.)

اهداف تبلیغ مختلف است، طاغوتیان و قدرت سالاران هدفی جز به استضعاف کردن مردم ندارند و لذا تمام توان و بوق و کرنا و بودجه‌ی خود را صرف تصاحب و تسلط بر دیگران و به بندگی گرفتن آن‌ها می‌کنند ولی هدف تبلیغ در میان انبیاء علیهم السلام نجات مردم از بند طاغوتیان، هواهای نفسانی، جهل، تفرقه و شک و اعتقاد به سوی خدا و قانون آسمانی است.

محتوای تبلیغ تمام انبیا علیهم السلام یکی بود است:

﴿أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [الزمر: ۱۶].

(از طاغوت اجتناب کنید و تنها خداوند را اطاعت نمایید.)

قرآن در باره ی هدف اسلام از تبلیغ، می‌فرماید:

﴿دَعَاكُمْ لِمَا يُخْسِئُكُمْ﴾ [الأنفال: ۲۴].

(دعوت انبیا برای زنده کردن شماست.)

هدف، نشر قاتون خدا و مبارزه با ظلم و قدرت سالاری است. دعوت به عدالت و تقوی است. اتمام حجت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر است. بنابراین تبلیغ کار بسیار ارزشمندی است که در درجه‌ی اول

مسئولیت آن از طرف خداوند بر دوش انبیا و اولیا علیهم السلام و سپس بر دوش علمای ربانی گذارده شده است. لذا تبلیغ یک حرفه نیست، منبع درآمد نیست، بلکه یک وظیفه الهی و انسانی است. تبلیغ محدود به مکان و زمان خاصی نیست، مرز و بوم ندارد. رسول اکرم ﷺ به سران کشورهای یمن حبشه، روم، ایران و یمامه دعوتنامه نوشتند و آن‌ها را به سوی اسلام دعوت کردند. در تاریخ می‌خوانیم: کشور تانزانیا و زنگبار در آفریقا از طریق تنزانیان فاس که با کشتی به آنجا سفر کرده بودند مسلمان شدند.

در قرن پنجم در جنگی که میان رومیان با اعراب اتفاق افتاد یک عالم مسلمان سیر شد، را به روم بردند و این فقیه با تبلیغ خود اسلام را به روم برد. با هر چه که یک عالم قزوینی به کشور چین اسلام به چین وارد شد. و مردم شمال کشور چاد و شرقی چند زن مسلمان با اسلام آشنا شدند. این تاریخ تبلیغ مسلمانان در قلمرو اسلام، ولی امروزه کلیسا با ترجمه‌ی انجیل به ۶۰۰ زبان و ترویج مسیحیت در ایوهای دنیا، صدای خود را در سراسر جهان پخش می‌کند. زمانی مسلمانی نظیر عقیل بن عقیل بن عمیر با هجرت به مدینه و جعفر طیار به حبشه و معاذ بن جعفر بن یمان، اسلام را ترویج می‌دادند ولی امروزه ما نشسته‌ایم و روحانیون، بی‌خبر و حتی شخص پاپ به سراسر دنیا سفر کرده و تبلیغ مسیحیت می‌کنند.

در قدیم، ابزار تبلیغ نقش‌هایی بود که بر سنگ حکاکی می‌شد. اما کم کم در قالب شعر و بیان و سپس به صورت کتاب و امروز به صورت فیلم و نوار در آمده است. ابزار تبلیغ، منحصر در سخن و قلم و فیلم و نمایش نیست. قدرت سالاران و طاغوتیان، امروز اهداف خود را با انواع وسایل در جهان پیاده می‌کنند که ما گوشه‌ای از آن‌ها را بیان می‌کنیم.

۲. روزنامه و مجله.
 ۳. رادیو و تلویزیون.
 ۴. بروشور و مکاتبات مستمر از طریق صندوق‌های پستی.
 ۵. مأموریت‌های دیپلماسی.
 ۶. جنگ سرد و شایعه سازی.
 ۷. تهیه و نشر کتاب‌های تحریف شده.
 ۸. ورایسم و جهانگردی.
 ۹. تشکیلات اردوهای مختلط پسر و دختر با جاذبه‌های جنسی.
 ۱۰. اعزام سربازان، اور فرهنگ، اقتصادی، نظامی، حقوقی.
 ۱۱. ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی به دختران برای جذب جوانان.
 ۱۲. انتقال فرهنگ و ادب از روستا به خود در کنار تکنولوژی.
 ۱۳. برنامه ریزی برای کنترل نسل مسلمانان در کشورهایی که تعداد مسلمانان بیشتر است.
 ۱۴. مد لباس و القای مصرف گرایی.
 ۱۵. ازدواج با مسلمانان مهاجر.
 ۱۶. ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و آموزشی به بصران راگان.
 ۱۷. برگزاری مسابقات فرهنگی.
 ۱۸. ارتباط خطوط تلفنی به منظور تبلیغات.
 ۱۹. تهیه و صدور فیلم از طریق ویدئو و ماهواره.
 ۲۰. صحنه‌های داخل موبایل
- این همه ابزار با آن بودجه کلان به منظور چیست؟ چرا آمریکا در سالی که برای قدرت نظامی خود ۲۰۰ میلیارد دلار بودجه می‌گذارد برای تبلیغات جهانی‌اش ۹۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری می‌کند. وزیر تبلیغات هیتلر

می گفت: با گاز، صدها نفر مسموم می شوند ولی با شایعه می توان صدها میلیون نفر را مسموم کرد! ناپلئون می گفت: من از صدای قلم روزنامه ها بیش از صدای گلوله ها می ترسم! کارتر رئیس جمهور سابق آمریکا می گفت: یک دلار برای تبلیغات بهتر از ده دلار برای تسلیحات است.

بهر حال این سیمایی از تبلیغات زمان ماست و اهمیتی که دنیای استعمار به آن می دهد و در مقابلش بی برنامه گی بی بودجه گی و بیحالی ما. اگر ما قرآن را می فهمیدیم و به آن عمل می کردیم، اگر ما مثل مسلمانان صدر اسلام هجرت می کردیم و به فرمان قرآن به آیات ﴿الْمُتَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعًا﴾ و ﴿فِيهَا﴾، ﴿سِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾ عمل می نمودیم و شبیه اصحاب رسول الله ﷺ سرزمین های دور و نزدیک، شهر و روستا، داخل و خارج می رفتیم، در آنجا جبران اعزامی ما به دنیا هر کدام یک داعی بودند، اگر هجرت را بر خود واجب و افاه را بر خود حرام می کردیم، اگر همین که انحرافی دیدیم همدردان ناسازگارها ناله می زدیم و هرگاه مظلومی را دیدیم در شهرها فریاد می زدیم و قرآن را از مهوریت در می آوردیم و اسلام را به عاشقان تشنه آن در سراسر جهان معرفی می کردیم، اگر طلبه و دانشجوی ما با هم دوست بودند و نوجوانان خلیل و همسایه خود را هر هفته جمع می کردند و برای آنان مطالب مفیدی را خلاص می گفتند، اگر ما روحیه می داشتیم که اول وقت هرکجا بود غلناً از آن بگرییم و نماز را اقامه می کردیم، و اگر بودجه هایی که صرف تزئینات مساجد می بود صرف اهل مسجد به خصوص نسل نو می شد و هر مسلمانی بدنیا می ساختن و شناساندن بود، چه اتفاقی می افتاد؟ آن گاه می دیدیم که:

﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾ [النصر: ۲].

(گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند).

به هر حال خداوند همه ی ما را بیدار کند. قرآن در آیات زیادی می‌فرماید ای پیامبر وظیفه تو ابلاغ است نه اجبار و اکراه، هر کس خواست پیروی کند و هر کس نخواست پیروی نکند.

﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ [الزمر: ۱۷ و ۱۸].

پس بشارت بده به بندگان خوب من، کسانی که سخن را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌نمایند).

حق انتخاب بر اساس تدبیر و تعقل و بصیرت و آگاهی یکی از امتیازات دین مبین اسلام است. تبلیغات خود را بر اساس آزادی و از طریق منطق و موعظه بر سران مودلست، رسول اکرم ﷺ چند نامه به چند نقطه جهان از جمله امپراطور روم و امپراتور و پادشاه حبشه و شام و یمامه فرستاد ولی دعوت او بر اساس ارشاد و هدایت بود نه اکراه و اجبار و یا تهدید و تطمیع. چنانکه شیوه دعوت آن نبی الله ﷺ نسبت به اهل کتاب دعوت به مشترکات بود.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۶۴]

(بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخن دادگرانه‌ای که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او نکنیم، و برخی از ما برخی دیگر را، به جای خداوند یگانه، به خدائی نپذیرد. پس هرگاه سر بر تابعداری بگویند: گواه باشید که ما تسلیم هستیم).

رسول الله ﷺ برای دعوت به اسلام، به عیادت فردی یهودی که او را آزار

و اذیت می‌داد رفت و آن یهودی به دلیل این نوع برخورد مسلمان شد. وحشی - غلام هند - را که قاتل حمزه - عمویش - بود مورد عفو قرار داد و اسلام او را پذیرفت. آری اساس دعوت اسلام حق‌گرایی، واقع‌نگری، منطق، فطرت و انسان دوستی است. قرآن، انسان‌ها را از تفرقه به وحدت، از برادرکشی به اخوت، از جهل به علم، از شرک به توحید، از توحش به تمدن، از طاغوت پرستی به خداپرستی، از پلیدی و ذلت و حقارت به تقوی و عزت و ایثار دعوت می‌کند. انبیا برای قیام به قسط آمده‌اند: «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، و جز وحی سخنی بر زبان جاری نمی‌کنند:

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۖ يَخْتَارُ ۚ إِنَّ هُوَ إِلَهٌ وَحْدٌ يُوْحٰی﴾ [النجم: ۴، ۳].

(از روی واهمه و ترس سخن نمی‌گوید. آن جز وحی و پیامی نیست که وحی و پیام می‌گردد.)

صراحت و صداقت را به لال و اخلاق اسلامی زمانی جلوه می‌کند که انسان تبلیغات همراه با دروغ و شایعه و اهانت دیگران را مشاهده می‌کند. شعرائی که شبیه مگس‌ان در شیرین، اشعاری می‌سرایند تا راه انحرافی خود را به دیگران القا نمایند:

﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ﴾ [الشعراء: ۲۱۴].

(سرگشتگان و گمراهان از شعراء - جاهلی - پیروی می‌کنند.)

تبلیغات دیگران چنان جاذبه دارد که حتی رسول الله را تعجب وادار می‌کند:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ [البقرة: ۲۰۴].

(در میان مردم کسی یافت می‌شود که سخن او در زندگی دنیا، تو را به شگفت

می‌اندازد.)

ولی اسلام حاضر نیست از هر کس و هر وسیله‌ای برای تبلیغات خود استفاده کند. لذا قرآن می‌فرماید:

﴿مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾ [الکھف: ۵۱].

(منحرفان و گمراهان را مددکار خود قرار نداده‌ام.)

﴿أَلَا تَرَكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ [هود: ۱۱۳].

(به! مگر آن تکیه نکنید که گرفتار آتش دوزخ خواهید شد.)

گاهی افراد سرشناس نزد پیامبر اکرم ﷺ می‌گفتند که اگر ما اسلام آوریم و دین تو را بپذیریم یا امتیازی برای ما خواهد بود، نبی الله با کمال صراحت می‌فرمود: نه! اسلام در تبلیغات خود حتی اجازه ناسزا گفتن به دشمن را نمی‌دهد.

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ﴾ [الأنعام: ۱۰۸].

(ای مؤمنان! به معبودها و بت‌ها که غیر خدا می‌پرستند دشنام ندهید.)

راستی مقایسه میان شیوه‌های تبلیغی اسلام با دیگران خود نشانه حقانیت اسلام است. بد نیست به نحوه تبلیغات کلیسا که در بی‌مقیاس تحت عنوان «مسیحیت و دنیای امروز» آمده است نگاهی داشته باشیم، مسیحیت گاهی به اسم الهیاتِ رهایی بخش در میان ملل محروم آفریقا تبلیغ می‌کند. کلمه ی مقدس «رهایی بخش» را دستاویز قرار می‌دهد. و گاهی با پاپ کپی به اسم «مارکسیسم، قلب مسیحیت» دل افرادی را که زمینه‌های چپ‌اندیشان با قوی است بدست می‌آورد و سفیر پاپ در ترکیه طی مصاحبه‌ای می‌گوید: لائیک ایدئولوژی خوبی است. گاهی هم زنان خواننده را به کلیسا می‌برند تا با رقص و موسیقی به کلیسا رونق بخشند! کشیشی در هندوستان به معبد

عورت پرستان می‌رود و صلیب به گردن مجسمه آنان می‌اندازد تا برای ترویج مسیحیت دل بت پرستان را بدست آورد. آیا با این نوع تبلیغ که در واقع دست برداشتن از اهداف است می‌توان مردم را به معنویت دعوت کرد؟! البته کلیسا راه‌های مثبتی نیز دارد، مثلاً بسیاری از بیمارستانها، درمانگاه‌ها، جذام‌خانه‌ها و یتیم‌خانه‌های رایگان در دنیا از طرف کلیسا اداره می‌شود و امروزه در آفریقا حدود ۱۵۰۰۰ داعی مسیحی در ۱۶۶۷۱ مدرسه عالی و ۵۰۰ مدرسه مذهبی و ۶۰۰ بیمارستان و ۱۲۰ اردوگاه آوارگان و ۱۱۱۵۴ دبیرستان ساخته است و تنها در آفریقا پنج میلیون دانش آموز مسلمان در مدارس مسیحیت تحصیل می‌کنند.

پس ما در تبلیغ دین اسلام باید زرنگ باشیم، باید بدانیم که مخاطب ما کیست؟ فرد است یا گروه، در چه شرایطی زندگی می‌کند و در چه محیطی تربیت شده است. تشنه است یا سیراب، تفاوت با فراری، در چه مرحله‌ای از رشد است و چقدر ظرفیت دارد. قرآن، روح بعضی را به زمین آماده‌ای تشبیه کرده که با نزول باران سبز می‌شود و بعضی را زمین شوره زاری دانسته که جز خار و خاشاک، رویدنی دیگری ندارد. قلب بعضی را مثل سنگ نفوذناپذیر شمرده و بعضی را چنان آماده که هر کلمه سخن حقی بشنوند، اشک شوق از دیدگانشان جاری می‌شود. قرآن که می‌تواند نفاس است، برای ستمگران به خاطر عنادی که در برابر شنیدن هر آیه از آن نشان می‌دهند سبب سقوط بیشتری است. در قرآن از مسیحیان بیش از یهودیان ستایش شده است همان‌گونه که در روایات از روحیه نوجوان و آمادگی پذیرش آنان که بیش از دیگران است تجلیل به عمل آمده است.

تبلیغ دین علاوه بر اخلاص و شور و توفیق الهی نیاز به معلومات وسیعی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: آشنایی با قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم ﷺ و خلفای راشدین رضی الله عنهم، آشنایی با شعر و تمثیل و زبان مردم، آشنایی با مشکلات و روحیات مردم، داشتن سلیقه‌ی لازم در انتخاب مطلب، برای هر منف باید مطلب ویژه‌ای آماده کرد، همان‌گونه که در دعا برای علما، زهد، برای بخار، سخاوت، برای فقرا، صبر، برای مجاهدان، پیروزی، و برای زنان، عفت در خواست شده است. باید آشنا با مسایل اجتماعی و روان شناسی و گاه مسایل و مشکلات دوست و دشمن بود. دعوت هر گروهی، سرآمد و سرخاصی می‌طلبد. همان‌گونه که امر به معروف و نهی از منکر، نسبت به افراد و محیط تفاوت دارد. گاهی غبار گچ روی لباس می‌نشیند و گاهی دوده حمام غبار گچ را باید با زدن به لباس، دور کرد و ولی دوده‌ی حمام را با فوت کردن، اگر دست بزنید هم دست سیاه می‌شود و هم دوده بیشتر به لباس می‌چسبد. همین دلیل شکل مبارزه با مفسد و آلودگی‌های محیط، نسبت به افراد و مکان‌ها فرق دارد.

عمل داعی به گفتار خود، علاوه بر این که تبلیغ داعی است شرط تأثیر تبلیغ نیز می‌باشد. به خصوص که مردم نسبت به داعی و زندگی داعی و خانواده‌ی او بسیار حساس هستند و از کسی که سخن خدا و رسول را بر زبان جاری می‌کند توقع صفا، اخلاص، وارستگی و پارسایی است و اگر زندگی او و همسر و فرزندانش با تجملات گیره بخورد سخن او بی‌اثر و کم‌اثر خواهد شد. قرآن ضمن انتقاد از چنین داعیانی، در یک جا می‌فرماید:

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ [البقرة: ۴۴].

(آیا مردم را به نیکوکاری دعوت می‌کنید ولی از خودتان غافلید.)

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ [الصف: ۲].

(چرا حرفی می‌زنید که خودتان به آن عمل نمی‌کنید.)

باید از خداوند استمداد بخواهیم که به آن‌چه می‌گوییم عمل نماییم و گرنه ارزش دادن به تنهایی ارزش نیست. چون برای آموزش دفن مرده، تکلاغی، موزگار نسل بشر شد. داعی اگر به گفته‌های خود عمل نکند همانند لوله‌های فلزی و سیمانی است که آب را از سرچشمه به مردم می‌رساند ولی چیزی از آب در خود او اثر نمی‌کند! در احادیث می‌خوانیم: از بزرگترین عیب‌ها، قیامت آن است که انسان ببیند گروهی در اثر تبلیغ و ارشاد او به ایمان یافته‌اند ولی خودش به‌خاطر آنکه به گفتارش عمل نکرده، راهی دوزخ سرد شده است.